

فراز هفتم :

## مردم گرایی و رعایت افکار عمومی

وَلْيَكُنْ أَحَبَّ الْأُمُورِ إِلَيْكَ أَوْسَطُهَا فِي الْحَقِّ، وَأَعَمُّهَا فِي الْعَدْلِ، وَأَجْمَعُهَا لِرِضَى الرَّعِيَّةِ، فَإِنَّ سُخْطَ الْعَامَّةِ يُجْحِفُ رِضَى الْخَاصَّةِ وَإِنَّ سُخْطَ الْخَاصَّةِ يُغْتَفَرُ مَعَ رِضَى الْعَامَّةِ. وَلَيْسَ أَحَدٌ مِنَ الرَّعِيَّةِ أَثْقَلَ عَلَى الْوَالِيِّ مَوْوَنَةً فِي الرَّخَاءِ، وَأَقْلَّ مَعُونَةً لَهُ فِي الْبَلَاءِ، وَأَكْرَهَ لِلْإِنْصَافِ، وَأَسْأَلَ بِالْإِلْحَافِ وَأَقْلَّ شُكْرًا عِنْدَ الْإِعْطَاءِ، وَأَبْطَأَ عُدْرًا عِنْدَ الْمَنْعِ، وَأَضْعَفَ صَبْرًا عِنْدَ مُلِمَّاتِ الدَّهْرِ مِنْ أَهْلِ الْخَاصَّةِ، وَإِنَّمَا عَمُودُ الدِّينِ، وَجِمَاعُ الْمُسْلِمِينَ، وَالْعُدَّةُ لِلْأَعْدَاءِ، الْعَامَّةُ مِنَ الْأُمَّةِ. فَلْيَكُنْ صِغُوكَ لَهُمْ، وَمَمْلُوكَ مَعَهُمْ.

**ترجمه :** باید محبوب ترین کار در نزد تو ، میانه ترین آنها در حق ، گسترده ترین آنها در عدل ، و فراگیرترین آنها در جلب رضایت عموم مردم باشد. زیرا خشم عموم مردم، خشنودی خواص را از بین می برد، ولی خشم خواص را خشنودی عموم مردم بی اثر می کند. خواص جامعه، سنگین ترین بار را در هنگام رفاه و گشایش بر حکومت تحمیل می کنند ، و کمترین کمک را در روزگار سختی بر عهده می گیرند ، و در اجرای عدالت و انصاف از همه ناراضی ترند ، و درخواست هایشان مصرانه تر است ، و در قبال عطا و بخشش ناسپاس تر، و به هنگام منع خواسته ها عذر ناپذیرتر ، و در برابر

مشکلات کم استقامت‌تر هستند. در صورتی که ستون استوار دین، و اجتماع مسلمین، و نیروی ذخیره دفاعی در برابر دشمنان، عموم مردم می‌باشند. پس به آنها گرایش داشته باش و اشتیاق تو با آنان باشد.

\*\*\*\*\*

### شرح :

از این عبارت امام علی (ع) روشن می‌گردد که پایه های اساسی حکومت در اسلام، توده های مردم هستند و بر این مبنا، دولت باید بیشترین توجه و سرمایه گذاری را برای جلب رضایت عموم مردم انجام دهد.

دلیل این امر این است که حکومت های مستبد که فاقد پشتوانه مردمی باشند و نتواند توده های مردم را راضی نگاه دارند، از مبانی مردمسالاری فاصله می‌گیرند و به تدریج، مشروعیت خود را از دست می‌دهند و دیر یا زود به دیار فنا می‌شتابند، بدون اینکه نام نیکی از خود به جای بگذارند.

در اینجا به منظور توضیح بیشتر، اصول اساسی مردمسالاری را که به تقویت پایه های حکومت منجر می‌گردد، از نظر گرامی شما می‌گذرانیم.

پایه های اصلی مردمسالاری عبارتند از:

1. بیعت عموم مردم با پیشوا، پس از احراز شرایط لازم و شایستگی مقام امامت از سوی شارع مقدس.
2. فراهم ساختن زمینه مشارکت مردم در زمینه های گوناگون سیاسی، اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و دفاعی.
3. پاسخگو بودن مسئولان کشور در تمام رده های حکومتی در برابر مردم.
4. فعال شدن سازمانهای مردمی و غیر دولتی.

5. آزادی افراد ، رسانه ها و دستگاه های ارتباط جمعی در نقد حکومت.

بدین سان ، نقش آزادی مشروع مردم در تأمین رضایت عمومی به خوبی روشن می گردد.

آزادی ، یکی از آرمانهای بلند انسانها و بستر بالندگی جوامع بشری و یکی از والاترین رسالتهای پیامبران در طول تاریخ بوده است. مهمترین حقوق و آزادیهای اساسی که از دیدگاه ما ، باید توسط حکومت در چهارچوب قانون محترم شمرده شود ، به شرح زیر می باشد:

1. حق حیات و سلامتی.
2. آزادی اندیشه و عقیده.
3. آزادی بیان و مطبوعات.
4. آزادی همایشها و اجتماعات مسالمت آمیز.
5. آزادی تشکیل احزاب ، انجمن ها ، جمعیت ها و اتحادیه ها .
6. آزادی انجام امور دینی و فرهنگی به صورت مسالمت آمیز
7. آزادی انتخاب شغل.
8. آزادی در شیوه زندگی شخصی ، تا جایی که موجب سلب حقوق دیگران و بر خلاف نظم و قانون نباشد.
9. مصونیت منازل شخصی مردم و عدم جواز ورود مأموران به خانه ها ، مگر به حکم قانون.
10. مصونیت نامه های خصوصی و اسرار تلفنی و امثال آن و عدم کنترل آنها ، مگر در چهار چوب قانون.
11. عدم تبعیض در نژاد ، مذهب ، زبان و بینش سیاسی در برخورداری از حقوق و آزادیهای قانونی.
12. رعایت عدالت در خصوص زنان و مراعات حقوق و کرامت آنان بر اساس قانون.

13. تساوی افراد و اقشار مردم در برابر قانون.
14. در نظر گرفتن اصل برائت در تعامل با مردم ، مگر اینکه خلاف آن توسط مراجع قانونی به صورت قطعی به اثبات برسد.
15. ممنوعیت خشونت ، شکنجه و توسل به اسلحه برای اهداف عقیدتی ، گروهی، قومی و غیر آن.
16. ممنوعیت توهین و افتراء بر علیه اشخاص ، سازمانها ، گروه های نژادی و پیروان مذاهب.
17. مصونیت مال ، جان ، ناموس و آبروی مردم در پناه قانون.

\*\*\*\*\*

فراز هشتم :

## حفظ اسرار دیگران وپیشگیری از عیب جوی

وَلْيَكُنْ أَبْعَدَ رَعِيَّتِكَ مِنْكَ، وَأَشْنَأَهُمْ عِنْدَكَ، أَطْلُبُهُمْ لِمَعَابِيِ  
النَّاسِ، فَإِنَّ فِي النَّاسِ عُيُوبًا، الْوَالِي أَحَقُّ مَنْ سَتَرَهَا، فَلَا  
تَكْشِفَنَّ عَمَّا غَابَ عَنْكَ مِنْهَا، فَإِنَّمَا عَلَيْكَ تَطْهِيرُ مَا ظَهَرَ لَكَ،  
وَاللَّهُ يَحْكُمُ عَلَى مَا غَابَ عَنْكَ، فَاسْتُرِ الْعَوْرَةَ مَا اسْتَطَعْتَ  
يَسْتُرِ اللَّهُ مِنْكَ مَا تُحِبُّ سَتْرَهُ مِنْ رَعِيَّتِكَ. أَطْلِقْ عَنِ النَّاسِ  
عُقْدَةَ كُلِّ حَفْدٍ وَأَفْطَعْ عَنْكَ سَبَبَ كُلِّ وَثْرٍ وَتَغَابَ عَنْ كُلِّ مَا لَا  
يَصِحُّ لَكَ، وَلَا تَعْجَلَنَّ إِلَى تَصْدِيقِ سَاعٍ، فَإِنَّ السَّاعِيَّ غَاشٌّ،  
وَإِنْ تَشَبَّهَ بِالنَّاصِحِينَ.

**ترجمه :** عیب جویان باید بیش از همه از تو دورتر و مورد تنفر  
بیشتر باشند. زیرا در مردم عیوبی وجود دارد که فرمانروا در پنهان  
داشتن آنها سزاوارتر از دیگران است، پس مبدا آنچه بر تو پنهان  
است آشکار گردانی ، تو فقط عیوبی را که آشکار شده است باید  
تطهیر کنی. داوری در آنچه از تو پنهان است با خداوند است ، پس  
چندان که می‌توانی عیب ها را بپوشان، تا آن را که دوست داری بر  
رعیت پوشیده ماند خدا بر تو بپوشاند ، گره هر کینه‌ای را در مردم  
بگشای، و ریشه هر ستمی را قطع کن، و از آنچه که در نظرت  
روشن نیست اجتناب کن. در تصدیق سخن چین شتاب مکن، زیرا  
سخن چین گرچه در لباس پند دهندگان ظاهر می‌شود اما خیانتکار  
است.

\*\*\*\*\*

## شرح :

برای شرح این عبارات ارزنده ، مراتب ذیل را از نظر گرامی شما می گذرانیم :

1- یکی از ناپسند ترین رذایل اخلاقی از دیدگاه اسلام ، عیب جویی از دیگران است. پیامبر گرامی اسلام با بیانی تند ، عیب جویان را مورد نکوهش قرار می دهد و چنین می فرماید :

«یا معشر من أسلم بلسانه و لم یسلم بقلبه، لا تتبعوا عثرات المسلمین فانه من تبع عثرات المسلمین تبع الله عثرته و من تبع الله عثرته یفضحه». (اصول کافی، ج2، ص355).

یعنی : "ای گروه کسانی که به زبان مسلمان شده‌اید ولی دل‌هایتان مسلمان نشده‌است! در پی عیبه‌ها و لغزش‌های مسلمانان نباشید، چرا که هر کس در پی یافتن عیبه‌های مسلمانان باشد، خدا هم پی‌جوی عیب او خواهد شد و هر که را که خدا در پی عیوبش باشد ، رسوایش می‌سازد".

بدین جهت ، امام علی (ع) به مالک اشتر می فرماید :

"عیب جویان باید بیش از همه از تو دورتر و مورد تنفر بیشتر باشند".

2- از آنجا که حکومت به خاطر در اختیار داشتن امکانات تجسسی و دستگاه وسیع اطلاعاتی ، بیش از دیگران از عیوب مردم آگاه است ، بنا بر این ، امام علی (ع) به مالک اشتر دستور می دهد تا حکومت او بیش از دیگران اسرار مردم را پوشیده نگاه دارد و از افشای عیوب پنهانی دیگران خودداری ورزد و تنها به تطهیر و پاکسازی گناهانی که علنی و آشکار هستند ، بسنده کند.

امیر مؤمنان (ع) در حدیثی دیگر پیرامون حفظ اسرار خود و دیگران چنین می فرماید :

«سیرک اسیرک، فان افشیته صیرتَ اسیره». (غرر الحکم، ج 1 ، ص 437).

یعنی : "راز تو اسیر توست ، اگر آشکارش ساختی، تو اسیر آن شده‌ای".

3- نکته دیگر در عبارت مذکور این است که حکومت باید ریشه دشمنی ها و رقابت های ناسالم میان اشخاص و گروه های سیاسی را قطع کند تا از بروز سعایت ها پیشگیری بعمل آید. زیرا سعایت ، همواره موجب به حاشیه راندن مدیران توانا و حذف نیروهای کار آزموده در جامعه می گردد. بنا بر این ، امام علی(ع) به مالک اشتر فرمان می دهد تا در تصدیق سعایت کنندگان شتاب نکند، برای اینکه در بسیاری از موارد ، سعایت ها از حسادت و رقابت ناسالم میان جناح های سیاسی و افراد ذی نفع در حکومت ناشی می شود.

\*\*\*\*\*

فراز نهم :

## ویژگی های مشاوران

وَلَا تُدْخِلَنَّ فِي مَشُورَتِكَ بَخِيلًا يَعْدِلُ بِكَ عَنِ الْعِضْلِ ، وَيَعِدُّكَ  
الْفَقْرَ ، وَلَا جَبَانًا يُضَعِّفُكَ عَنِ الْأُمُورِ ، وَلَا حَرِيصًا يُزِينُ لَكَ  
الشَّرَّ بِالْجَوْرِ ، فَإِنَّ الْبُخْلَ وَالْجُبْنَ وَالْحِرْصَ غَرَائِزُ شَتَّى  
يَجْمَعُهَا سُوءُ الظَّنِّ بِاللَّهِ. شَرُّ وُزَرَائِكَ مَنْ كَانَ لِلْأَشْرَارِ قَبْلَكَ  
وَزِيرًا، وَمَنْ شَرَكَهُمْ فِي الْأَثَامِ، فَلَا يَكُونَنَّ لَكَ يَطَانَةً فَإِنَّهُمْ  
أَعْوَانُ الْأَثَمَةِ وَإِخْوَانُ الظَّلْمَةِ. وَأَنْتَ وَاجِدٌ مِنْهُمْ خَيْرَ الْخَلْفِ  
مِمَّنْ لَهُ مِثْلُ آرَائِهِمْ وَنِعَاذِهِمْ، وَلَيْسَ عَلَيْهِ مِثْلُ أَصَارِهِمْ  
وَأَوْزَارِهِمْ وَ أَثَامِهِمْ، مِمَّنْ لَمْ يُعَاوَنْ ظَالِمًا عَلَى ظَلَمِهِ وَ أَثَمًا  
عَلَى إِثْمِهِ، أَوْلَيْكَ أَخْفُ عَلَيْكَ مَوْؤَنَةً، وَأَحْسَنُ لَكَ مَعُونَةً،  
وَأَحْنَى عَلَيْكَ عَطْفًا، وَأَقْلُّ لِعَيْبِكَ إِلْعًا ، فَاتَّخِذْ أَوْلِيكَ خَاصَّةً  
لِخَلْوَاتِكَ وَحَفَلَاتِكَ، ثُمَّ لِيَكُنْ أَثَرُهُمْ عِنْدَكَ أَقْوَلَهُمْ بِمَرِّ الْحَقِّ  
لَكَ، وَأَقْلَهُمْ مُسَاعَدَةً فِيمَا يَكُونُ مِنْكَ مِمَّا كَرِهَ اللَّهُ لِأَوْلِيَائِهِ،  
وَاقِعًا ذَلِكَ مِنْ هَوَاكَ حَيْثُ وَقَعَ.

**ترجمه :** بخیل را در مشورت خود دخالت نده، که تو را از نیکوکاری  
باز می‌دارد، و از تنگدستی می‌ترساند. ترسو را در مشورت خود  
دخالت نده، که در انجام کارها روحیه تو را سست می‌کند. حریص  
را در مشورت خود دخالت نده، که حرص را با ستمکاری در نظرت  
زینت می‌دهد. همانا بخل و ترس و حرص، غرائز گوناگونی هستند  
که ریشه آنها بدگمانی به خدای بزرگ است. بدترین وزیران تو،



کسی است که پیش از تو وزیر بدکاران بوده، و در گناهان آنان شرکت داشته، پس مبادا آنان همکار و محرم راز تو باشند، زیرا که آنان یاوران گناهکاران، و یاری دهندگان ستمکارانند. در حالی که تو جانشینانی بهتر از آنان داری که اندیشه و قدرت فکری امثال آنها را داشته، اما گناهان و سوابق ناروای آنها را نداشته باشند، کسانی که ظالمی را بر ستمی یاری نکرده، و تبهکاری را در گناهی کمک نرسانده باشند. هزینه این گونه افراد بر تو سبکتر، و یاریشان بهتر، و مهربانیشان با تو بیشتر، و الفت آنان با غیر تو کمتر است. آنان را از خواص و راز داران خود در جلسات خویش قرار ده. سپس از میان آنان افرادی را که در حق گویی از همه صریح‌ترند، و در آنچه که خدا برای دوستانش نمی‌پسندد در هر حال تو را مدد کار نباشند، انتخاب کن.

\*\*\*\*\*

### **شرح :**

اصل مشورت در امر حکومت و شرایط مشاوران از دیدگاه آئین اسلام، از اهمیت خاصی برخوردار است. قرآن کریم، حتی رسول گرامی اسلام (ص) را که عقل کلّ و پیامبر معصوم است، به مشورت با دیگران در امور مهم فرمان می‌دهد و چنین می‌فرماید:

**"و مشاورهم في الأمر"**. (سوره آل عمران، آیه 159).

همچنین، در روایات اسلامی، حق هر یک از مشاوره کننده و مشاوره شونده، بیان گردیده است. امام سجاد (ع) در حدیثی از امام علی (ع) چنین روایت می‌فرماید:

"و أما حق المستشار ، فإن علمت أنّ له رأياً حسناً أشرت عليه ؛ و إن لم تعلم له أرشدته إلى من يعلم . و حقّ المشير عليك أن لاتتهمه فيما لا يوافقك من رأيه ، و إن وافقك حمدت الله عزّ و جلّ".

یعنی : "حق کسی که با تو مشورت می خواهد این است که اگر رأی درست و مناسبی داری ، باید به او بگویی ؛ و اگر نظر صحیحی نداری ، او را به کسی دیگر که آگاهی به امر دارد راهنمایی کنی. حقّ کسی که با او مشورت می کنی این است که اگر نظر او با خواست تو موافق نبود ، او را متهم نکنی ؛ و اگر رأی او با خواسته تو موافقت داشت ، خدا را سپاس گویی".

علاوه بر این ، در احادیث اسلامی ، روایات فراوانی در زمینه شرایط مشاوران به چشم می خورد. امام صادق (ع) چنین می فرماید :

**"شاور في امورك ما يقتضي الدين من فيه خمس خصال : عقل و علم و تجربة و نصح و تقوى".**

یعنی : "در امور خود بر مبنای مقتضای شریعت ، با کسی مشورت کن که دارای پنج صفت باشد : عقل ، دانش ، تجربه ، خیر خواهی و پارسایی".

امیر مؤمنان (ع) نیز در عبارتی که از ایشان نقل شد ، به مالک اشتر فرمان می دهد تا با کسی که دارای صفات رذیله از قبیل بخل، ترسوئی و حرص و آز است مشورت نکند. همچنین به وی فرمان می دهد تا کارگزاران خود را از میان افراد خوشنام و خوش سابقه انتخاب کند و از استخدام وزیرانی که سابقه همکاری با فرمانروایان ستمگر و تبهکار را داشته اند ، خود داری نماید.

در پایان عبارت یاد شده ، امام علی (ع) ، به نکته بسیار مهمی در امر حکومت ، یعنی : ظرفیت انتقاد پذیری ، اشاره می کند و چنین می فرماید:

"سپس از میان آنان افرادی را که در حق گویی از همه صریح‌ترند، و در آنچه که خدا برای دوستانش نمی‌پسندد در هر حال تو را مدد کار نباشند، انتخاب کن".

\*\*\*\*\*

فراز دهم :

## قواعد رابطه فرمانروا با دیگران

وَالصَّقُ بِأَهْلِ الْوَرَعِ وَالصَّدَقِ، ثُمَّ رُضُّهُمْ عَلَيَّ أَلَّا يُطْرُوكَ وَلَا يَبْجُحُوكَ بِبَاطِلٍ لَمْ تَفْعَلْهُ، فَإِنَّ كَثْرَةَ الْأَطْرَاءِ تُحْدِثُ الرَّهْوَ وَتَدْنِي مِنَ الْعِزَّةِ. وَلَا يَكُونَنَّ الْمُحْسِنُ وَالْمُسِيءُ عِنْدَكَ بِمَنْزِلَةٍ سَوَاءٍ، فَإِنَّ فِي ذَلِكَ تَزْهِيداً لِأَهْلِ الْإِحْسَانِ فِي الْإِحْسَانِ، وَتَدْرِيباً لِأَهْلِ الْإِسَاءَةِ عَلَى الْإِسَاءَةِ، وَالزَّمُّ كُلًّا مِنْهُمْ مَا أَلْزَمَ نَفْسَهُ. وَاعْلَمْ أَنَّهُ لَيْسَ شَيْءٌ يَأْذَعِي إِلَى حُسْنِ ظَنِّ وَالِ بِرِعْيَتِهِ مِنْ إِحْسَانِهِ إِلَيْهِمْ، وَتَخْفِيفِهِ الْمَوْثُوتَاتِ عَلَيْهِمْ، وَتَرْكِ اسْتِكْرَاهِهِ إِيَّاهُمْ عَلَيَّ مَا لَيْسَ لَهُ قَبْلَهُمْ، فَلْيَكُنْ مِنْكَ فِي ذَلِكَ أَمْرٌ يَجْتَمِعُ لَكَ بِهِ حُسْنُ الظَّنِّ بِرِعْيَتِكَ، فَإِنَّ حُسْنَ الظَّنِّ يَقْطَعُ عَنكَ نَصَباً طَوِيلاً، وَإِنَّ أَحَقَّ مَنْ حَسَنَ ظَنُّكَ بِهِ لَمَنْ حَسَنَ بِلَاؤُكَ عِنْدَهُ، وَإِنَّ أَحَقَّ مَنْ سَاءَ ظَنُّكَ بِهِ لَمَنْ سَاءَ بِلَاؤُكَ عِنْدَهُ. وَلَا تَنْقُضْ سُنَّةَ صَالِحَةٍ عَمِلَ بِهَا صُدُورُ هَذِهِ الْأُمَّةِ، وَاجْتَمَعَتْ بِهَا الْأَلْفَةُ، وَصَلَحَتْ عَلَيْهَا الرَّعِيَّةُ، لَا تُحْدِثَنَّ سُنَّةَ تَصُرُّ بِشَيْءٍ مِنْ مَاضِيِ تِلْكَ السُّنَنِ، فَيَكُونَ الْأَجْرُ يَمُنُّ سَنَهَا، وَالْوَزْرُ عَلَيْكَ يَمَا نَقَضْتَ مِنْهَا. وَأَكْثَرُ مَدَارِسَةِ الْعُلَمَاءِ، وَمُنَاقَنَةِ الْحُكَمَاءِ، فِي تَثْبِيتِ مَا صَلَحَ عَلَيْهِ أَمْرٌ بِلَادِكَ، وَإِقَامَةِ مَا اسْتَقَامَ بِهِ النَّاسُ قَبْلَكَ.

**ترجمه :** با پرهیزکاران و راستگویان باش ، و آنان را چنان پرورش ده که تو را فراوان نستایند، و تو را برای باطلی که انجام نداده‌ای ترغیب نکنند ؛ زیرا ستایش زیاد ، تکبر و خود پسندی می‌آورد، و عزت انسان را کاهش می‌دهد. هرگز نیکو کار و بدکار در نظرت

یکسان نباشند، زیرا اگر آنان را یکسان بدانی ، نیکوکاران در نیکوکاری بی‌رغبت، و بدکاران در بد کاری تشویق می‌گردند، پس هر کدام از آنان را بر اساس کردارشان پاداش ده. بدان ای مالک هیچ وسیله‌ای برای جلب اعتماد والی به رعیت بهتر از احسان به مردم، و تخفیف هزینه ها ، و عدم اجبار مردم به کاری که دوست ندارند، نمی‌باشد، پس در این راه بکوش تا به وفاداری رعیت، خوشبین شوی ، که این خوشبینی رنج طولانی را از تو دور می‌سازد. پس به آنان که بیشتر احسان کردی بیشتر خوشبین باش، و به آنان که بد رفتاری کردی بد گمان و بی اعتمادتر باش. سنت های پسندیده‌ای را که بزرگان این امت به آن عمل کردند، و ملت اسلام با آن پیوند خورده، و رعیت با آن اصلاح شدند، بر هم مزن، و سنتی که به سنت‌های خوب گذشته زیان وارد می‌کند پدید نیآور ، که پاداش برای آورنده سنت های نیکو ، و کیفر آن برای تو باشد که آنها را در هم شکستی. در آنچه مایه آبادانی و اصلاح شهرها و برقراری نظم و قانونی است که در گذشته نیز وجود داشته است، با دانشمندان ، فراوان گفتگو کن ، و با خردمندان فراوان معاشرت داشته باش.

\*\*\*\*\*

### شرح :

در اینجا ، امام علی (ع) ، ضوابط لازم را برای برقراری رابطه مناسب با دو گروه ، بیان می‌فرماید : یکی گروه کارگزاران ، و

دیگری عموم مردم. در پایان نیز آن حضرت ، مالک اشتر را به حفظ سنت های شایسته فرمان می دهد.

### رابطه فرمانروا با کارگزاران

امام علی (ع) ، در زمینه ارتباط فرمانروا با کارگزاران ، به نکات ذیل اشاره می فرماید :

**الف** - نخست اینکه باید نزدیکان حاکم اسلامی ، افرادی پارسا و راستگو باشند. زیرا پاکی اطرافیان فرمانروا ، او را از اتهامات اقتصادی ، سیاسی ، اخلاقی و اجتماعی در امام نگاه می دارد ، و صداقت آنان نیز ، موجب اطمینان خاطر وی نسبت به انگیزه ها و عملکرد خالصانه آنان می شود. امام صادق (ع) در زمینه نقش راستگویی در رفتار انسان چنین می فرماید :

**"من صدق لسانه زکی عمله".**

یعنی : "کسی که زبان او راستگو باشد ، عمل او نیز پاکیزه خواهد بود".

**ب** - نکته دوم اینکه فرمانروای اسلامی باید با تملّق و چاپلوسی کارگزاران خود ، برخورد جدی داشته باشد و به آنان مجال تعریف بیش از حدّ و تمجید های بی جا ندهد. بدین جهت امام علی (ع) به مالک اشتر می فرماید :

"آنان را چنان پرورش ده که تو را فراوان نستایند، و تو را برای باطلی که انجام نداده‌ای ترغیب نکنند؛ زیرا ستایش زیاد، تکبر و خود پسندی می‌آورد، و عزت انسان را کاهش می‌دهد".

**ج** - نکته دیگر در این سخنان ارزشمند، اهتمام ورزیدن به عنصر تشویق نیکوکاران است. لازمه این امر، فراهم آوردن ساز و کارهای مناسب در قالب تشکیلاتی سازمان یافته است که توان لازم را برای ارزشیابی مدیریت کارگزاران داشته باشد، تا بر اساس آن، کسانی را که مخلصانه و مجدانه در راه رسیدن به اهداف عالی نظام تلاش کرده اند مورد تشویق و تقدیر قرار دهد، و متقابلاً افراد کم‌کار یا کارشکن را نکوهش کند و در صورت لزوم، مجازات نماید.

### **رابطه فرمانروا با عموم مردم**

از آنجا که یکی از مهمترین معیارهای حکومت مردمسالار، داشتن مشروعیت نظام از دیدگاه مردم است، امیر مؤمنان (ع)، مالک اشتر را به اهمیت افکار عمومی فرمان می‌دهد. حفظ افکار عمومی مردم از دیدگاه امام علی (ع)، از طرق یاد شده در زیر به دست می‌آید:

**الف** - نخستین روش، احسان و نیکی به عموم مردم است. بدین جهت آن حضرت در سخن دیگری چنین می‌فرماید:

"اعرفوا الله بالله، و الرسول بالرسالة، و اولي الأمر بالأمر بالمعروف و العدل و الإحسان".

یعنی : "خدا را با خدا بشناس ، و پیامبر را با پیامش ، و صاحبان امر را با امر به معروف و عدالت و احسان".

امام رضا (ع) نیز در حدیث شریفی چنین می فرماید :

**"استعمال العدل و الإحسان مؤذن بدوام النعمة".**

یعنی : "به کار گرفتن عدالت و احسان ، موجب استمرار و دوام نعمت می گردد".

بنا بر این ، نیکی کردن فرمانروا به عموم مردم ، باعث طول عمر حکومت وی می شود.

**ب -** دومین عامل حفظ افکار عمومی ، کاهش هزینه های تحمیل شده بر مردم است. در برخی از کشورهای توسعه یافته که بودجه حکومت همچنان از راه مالیات تامین می شود ، تلاش می کنند برای جلب افکار عمومی ، نظام مالیاتی مناسبی به وجود آورند تا به اقبشار کم در آمد ، فشار کمتری وارد شود. همچنین می کوشند تا بخشی از مالیات مردم را به صورت غیر مستقیم ، یا به صورت غیر آشکار دریافت کنند ، تا تاثیر منفی کمتری در میان عامه مردم بر جای گذارد.

**ج -** دستور العمل سوم امام علی (ع) به مالک اشتر در عبارات یادشده این است که : از اعمال فشار بر مردم در جهت انجام کارهایی که مورد رضایت و خوشنودی آنان نیست ، خودداری ورزد.

## حفظ سنت های شایسته

سنت هایی که عموم مردم به آن ها عادت کرده اند ، بر دو دسته تقسیم می شوند : سنت ها حسنه که برای جامعه منفعت دارد و ارزشمند است ، و سنت های سیئه که برای کشور و ملت ضرر و زیان دارد.

شایسته است حکومت اسلامی ، نه تنها با قسم اول از سنت ها مخالفت نرزد ، بلکه در تقویت و ترویج آن ها بکوشد. اما قسم دوم از سنت ها (یعنی سنت های سیئه) ، گرچه باید به فراموشی سپرده شوند ، ولی به خاطر رسوخ آن ها در اقشار جامعه ، شایسته است برای رفع آنها به دو نکته مهم توجه شود:

یکی اینکه این کار به صورت عجولانه و بدون محاسبه دقیق انجام نگیرد ، بلکه با رعایت اصول مدیریت و پیشگیری از عواقب منفی آن، با چنین پدیده هایی مبارزه شود. دیگر اینکه حتی الامکان ، جایگزین مثبت و مناسبی برای جبران آن در نظر گرفته و اعلام گردد.

بدین جهت ، بسیاری از سنت های مثبت و مفید دیرینه ایران باستان ، از دیدگاه دین مقدس اسلام ، مورد انکار و اعتراض قرار نگرفت ، بلکه رنگ معنوی و دینی نیز به آن ها داده شد. به عنوان مثال ، سنت احیاء نوروز ، نه تنها مورد مخالفت اسلام قرار نگرفت ،



بلکه دعایی مخصوص به شرح ذیل ، برای آن روز باستانی انشاء  
شده است:

"یا مقلب القلوب و الأبصار ، یا مدبر اللیل و النهار ، یا محوّل الحول و  
الأحوال ، حوّل حالنا إلى أحسن الحال".

در پایان عبارات یاد شده ، امام علی (ع) به مالک اشتر فرمان  
می دهد تا با دانشمندان و خردمندان ، در جهت عمران و آبادانی  
کشور و اصلاح امور جامعه و برنامه ریزی حکومت ، بسیار مشورت  
کند. این امر نشان می دهد که برای انتخاب کارگزاران حکومت و  
مشاوران فرمانروا ، علاوه بر تعهد و تقوا و صداقت ، باید عوامل  
اساسی دیگری مانند تخصص ، دانش ، تجربه و خردورزی نیز ،  
مورد توجه قرار گیرد.

\*\*\*\*\*

فراز یازدهم :

## شناخت اصناف مردم

وَأَعْلَمُ أَنَّ الرَّعِيَّةَ طَبَقَاتٌ لَا يَصْلُحُ بَعْضُهَا إِلَّا بِبَعْضٍ ، وَلَا غِنَى  
بِبَعْضِهَا عَنْ بَعْضٍ : فَمِنْهَا جُنُودُ اللَّهِ ، وَ مِنْهَا كُتَّابُ الْعَامَّةِ  
وَالْخَاصَّةِ ، وَ مِنْهَا قُضَاةُ الْعَدْلِ ، وَ مِنْهَا عُمَالُ الْإِنصَافِ وَالرِّفْقِ ،  
وَ مِنْهَا أَهْلُ الْحِرْيَةِ وَالْخِرَاجِ مِنْ أَهْلِ الدِّمَّةِ وَمُسْلِمَةِ النَّاسِ ،  
وَ مِنْهَا التُّجَّارُ وَأَهْلُ الصَّنَاعَاتِ ، وَ مِنْهَا الطَّبَقَةُ السُّفْلَى مِنْ  
دَوَى الْحَاجَةِ وَالْمَسْكِنَةِ ، وَكُلٌّ قَدْ سَمَى اللَّهُ لَهُ سَهْمَهُ وَ  
وَضَعَ عَلَى حَدِّهِ قَرِيضَتَهُ فِي كِتَابِهِ أَوْ سُنَّةِ نَبِيِّهِ صَلَّى اللَّهُ  
عَلَيْهِ وَآلِهِ عَهْدًا مِنْهُ عِنْدَنَا مَحْفُوظًا.

**ترجمه :** بدان که مردم از گروه‌های گوناگونی می‌باشند که اصلاح هر يك جز با دیگری امکان ندارد، و هیچ يك از آن‌ها از گروه دیگر بی‌نیاز نیست. از آن قشرها ، لشکریان خدا ، و نویسندگان عمومی و خصوصی، قضات عدالت ، کارگزاران انصاف و مهر ورزی ، جزیه دهندگان از اهل ذمه ، پرداخت کنندگان مالیات از مسلمانان ، بازرگانان ، صنعت‌گران ، ، و نیز طبقه پایین جامعه از نیازمندان و مستمندان می‌باشند، که خداوند برای هر يك از آن‌ها سهمی مقرر داشته، و مقدار واجب آن را برای هر گروه ، در قرآن یا سنت پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم تعیین کرده که پیمانی از طرف خداست و در نزد ما محفوظ می‌باشد.

\*\*\*\*\*

### شرح :

روشن است که امیر مؤمنان (ع) در اینجا در صدد تایید طبقاتی بودن جامعه که امری مخالف روح اسلام و منش دادگسترانه آن

امام بزرگوار است نمی باشد ؛ بلکه اقشار مختلف مردم را به منظور تاکید بر سازماندهی هر قشر و تبیین حقوق هر یک از آن ها بیان فرموده است.

برای توضیح تفاوت این دو امر ، به عرض شما می رسانیم که سردمداران برخی از جوامع و حکومت ها ، افراد ملت را در چند طبقه مجزاً و منفصل از یکدیگر تقسیم می کردند و برای طبقه بالاتر ، بیشترین امتیاز را قائل می شدند و طبقات پایین تر را از حق و حقوق مسلم ایشان باز می داشتند. هدف این حکومت ها ، قانونی کردن تبعیض به نفع اشراف و ثروتمندان جامعه ، و ظلم و ستم آشکار به اقشار دیگر بوده است. به عنوان مثال ، فرمانروایان ساسانی ، عموم مردم را به چند طبقه به شرح ذیل تقسیم کرده بودند :

طبقه موبدان (رهبران مذهبی) ، طبقه ارتشتاران (نظامیان) ، طبقه دبیران (کارگزاران) ، طبقه واستریوشان (دهقانان) ، و طبقه هوتخشان (پیشه وران).

افراد هر طبقه با طبقه دیگر برابر نبودند و امتیاز هریک از آنان نسبت به دیگری تفاوت داشت و میان هر دو طبقه ، دیوار غیر قابل عبوری کشیده شده بود. کشاورزان و پیشه وران ، در پست ترین مرتبه اجتماعی قرار داشتند و از امتیازات سیاسی و اجتماعی طبقات دیگر ، محروم بودند.

این گونه نظام طبقاتی از دیدگاه اسلام ، امری ظالمانه و غیر قابل قبول است. قرآن مجید با صراحت به مبارزه با نظام طبقاتی برمی خیزد و چنین می فرماید :

"يَا أَيُّهَا النَّاسُ إِنَّا خَلَقْنَاكُمْ مِنْ ذَكَرٍ وَأُنْثَىٰ وَجَعَلْنَاكُمْ شُعُوبًا وَقَبَائِلَ لِتَعَارَفُوا إِنَّ أَكْرَمَكُمْ عِنْدَ اللَّهِ أَنْفَاكُمْ إِنَّ اللَّهَ عَلِيمٌ خَبِيرٌ".

(سوره حجرات، آیه 13).

یعنی : "ای مردم ، ما شما را از یک مرد و یک زن آفریدیم و شما را شعبه ها و قبیله های گوناگون گردانیدیم تا یکدیگر را بشناسید ،

همانا گرامی ترین شما در نزد خداوند ، آن کسی است که پارسا تر باشد ؛ خدا دانا و آگاه است".

پیامبر گرامی اسلام (ص) نیز در هنگام فتح مکه ، چنین فرمود :  
**"إِنَّ النَّاسَ مِنْ آدَمَ إِلَى يَوْمِنَا هَذَا مِثْلَ أُسْنَانِ الْمَشِطِ ، لَا فَضْلَ لِلْعَرَبِيِّ عَلَى الْعَجَمِيِّ ، وَلَا لِلْأَحْمَرِ عَلَى الْأَسْوَدِ إِلَّا بِالتَّقْوَى".**

یعنی : "مردم از زمان آدم تا کنون ، مانند دندان‌های شانه با هم برابرند ، و عرب بر عجم ، و نژاد سرخ بر نژاد سیاه ، برتری ندارند ، مگر با پارسایی و پرهیزکاری".

بنا بر این ، امام علی (ع) در عبارات یاد شده ، در صدد تثبیت نظام طبقاتی و اختصاص امتیازات بیشتر برای طبقات بالا و محروم ساختن طبقات پایین جامعه نیست ، بلکه اقشار مختلف مردم را یاد آور می شود ، تا حقوق آنان را به مالک اشتر تذکر دهد ، و رسیدگی به محرومان جامعه را ، چنانکه بیان خواهد شد ، به فرمانروای مذکور توصیه نماید.

\*\*\*\*\*